

# رُزْ گَمْشده



نوشته‌ی سردار ازگان

ترجمه‌ی بهروز دیجوریان



## فهرست

۱۱	.....	آغاز
۱۰۳	.....	قسمت دوم
۱۹۵	.....	قسمت سوم
۲۱۱	.....	آخر
۲۱۷	.....	درباره‌ی کتاب، نویسنده و مترجم

(وینيام بلیک)

(پولس امره)

افسس! شهر دوگانگی. هم معبد آرتمیس، هم مامن مطهر مریم مقدس. سربایی هم برای نفس و هم برای روح. تجسم هم کبر و هم فروتنی، هم اسارت و هم آزادی. افسس! شهری همچون انسان که در آن تضادها درهم ادغام شده‌اند.

در یک عصر اکتبری، در کنار رود ملس نزدیک آن شهر - شهر باستانی افسس - نشسته بودند. اشعه‌ی خورشید که داشت پشت کوه بلبل پنهان می‌شد به ارغوانی می‌زد. آن‌هایی که زبان آسمان‌ها را می‌دانستند مژده‌ی باران می‌دادند به هر دوشان.

دختر جوان گفت: «سنت جان برای خلق از مریم مقدس می‌گوید. فریاد جمعیت را می‌شنوی که می‌غرند، پرخاش می‌کنند و با عصبانیت نفرینش می‌کنند؟ هزاران انسان به دین تازه‌ای که پرستش الهه‌شان را ممنوع می‌کند اعتراض می‌کنند. گوش کن؛ پا بر زمین می‌کوبند و با هم فریاد می‌زنند: «مریم دیگر کیست؟ ما می‌خواهیم آرتمیس را پرستش کنیم!»

مرد جوان پرسید: «آرتمیس؟ الهه؟ همان که رومی‌ها به آن دیانا می‌گویند؟»

دختر جوان گفت: «اینش مهم نیست. او تنها یک خیال است که مردم در ذهن خود ساخته‌اند و پرستش‌اش می‌کنند.»

- «مثل این که خیلی چیزها درباره‌ی آن می‌دانی.»

